

تحول و تطور در نیروی دریایی مسلمانان (تا پایان خلافت عباسی)

دکتر اصغر قائدان (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع))

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 6 - تابستان 80

از هنگامی که نیروی نظامی مسلمانان از مرزهای جزیره العرب خارج شده و در صدد گسترش اسلام به مناطق مجاور برآمدند، در مراحل مختلف عملیاتی و فتوح خویش با پدیده ای جدید در جنگ ها روبرو گردیدند که مقابله با آن نیازمند تکنیک، ابزار و تاکتیک های جنگی جدید و ویژه بود. بر اساس شرایط جدید، دیگر جنگ های زمینی تنها جنگ هایی نبودند که مسلمانان با آن روبرو باشند. مسلمانان در این راه با تلاش و کوشش بی نظیر به پیشرفت ها و تکامل چشمگیری دست یافتند. دیری نپایید که استفاده از کشتی ها و ملوانان و متخصصان جنگ در دریا، ایجاد کارخانجات کشتی سازی در سواحل کشورهای فتح شده و ساخت سلاح ها و ابزارهای جنگی مخصوص کشتی ها باعث به وجود آمدن ناوگان های عظیم جنگی گشت که مسلمانان به وسیله آن توانستند جزا پر مختلف و نیز سواحل شمالی آفریقا، اندلس، سواحل دریای مدیترانه را فتح کرده و اسلام را تا دور ترین نقاط گسترش دهند، در این مقاله برآنیم تا سیر تحول و تطور نیروی دریایی مسلمانان از آغاز تا پایان عصر عباسی را به اجمال مورد بررسی قرار دهیم.

واژه های کلیدی: ناوگان، اسطول، کشتی، غازی، بحر، دریا، صواری، سفینه، لگام.

الف. آشنایی عرب با دریا و دریا نوردی و اهمیت آن از دیدگاه پیامبر(ص)
عربان از دیرباز به ویژه قرن ها قبل از اسلام، با دریا و دریانوردی آشنایی داشتند و چون اکثر آن ها از طریق تجارت روزگار می گذرانیدند، از این رو کشتی های تجاری آنان همواره در حال فعالیت بود در این مورد می توان به حمیریان و قوم سبا اشاره داشت. (1)

عرب جزیره العرب، در منطقه ای سکونت داشته که به سبب محاصره دریا از سه طرف، همواره با دریا و ارتباطات دریایی آشنا بوده است و بارها در تجارت زمستانی به سوی حبشه، از دریای سرخ عبور کرده است. می توان گفت نخستین بار که در میان مسلمانان یک سفر دریایی پدید آمد، زمان مهاجرت به حبشه بود و به دلیل مسافرت با کشتی، آن مهاجران را ((اصحاب سفینه)) لقب دادند. به علت آشنایی عرب جزیره العرب با دریا و نیز اهمیت آن است که در قرآن کریم سی و هشت بار از بحر و بحیره و بحرین (2) و چهار بار نیز از کشتی یا سفینه نام برده شده است. (3) اما با این وصف، جای تعجب است که چگونه طبری از عدم آشنایی خلیفه دوم نسبت به دریا سخن گفته است. او روایت می کند که: معاویه مترصد کسب اجازه از خلیفه برای یک نبرد دریایی بود، اما خلیفه پس از آن که از عمرو بن عاص خواست دریا را برای او توصیف کند و مطمئن شد که دریا برای جان مسلمانان خطر دارد، چنین اجازه ای را نداد و خطاب به معاویه گفت: ((به خدا سوگند هرگز مسلمانان را به این راه وادار نمی کنم)). (4) این در حالی است (5) که قبل از آن، رسول خدا(ص) بارها مسلمانان را به جهاد از طریق دریا تشویق فرموده بود: ((لا تترك البرح الاحاجا، او معتمرا او غازیا فی سبیل الله))؛ (6) در دریا حرکت نکنید جز برای حج و عمره و جهاد در راه خدا؛ و نیز آن حضرت می فرمود: ((من غزا فی البحر غزوه فی سبیل الله...))؛ (7) کسی که در راه خدا به نبرد در دریا بپردازد، خداوند از احوال کسی که در راه او [در دریا] جهاد می کند آگاه تر است، پس او در اطاعت خود به خداوند پناه برده، بهشت او را به خود می خواند و آتش او را از خود می گریزند). از ام حرام نقل شده است که روزی رسول خدا(ص) در خانه او فرمود: ((ناس من امتی عرضوا علی غزاه فی سبیل الله یرکبون...))؛ (8) گروهی از امت من به عنوان مجاهد در راه خدا همچون پادشاهان و ملوک در دریا برکشتی ها سوار خواهند شد). ام حرام می گوید: از او خواستم که از خدا بخواهد من هم جزء آنان باشم. پس آن حضرت فرمود: تو اولین آنان خواهی بود. این گفته پیامبر(ص) بعدها محقق شد؛ ام حرام به همراه همسرش عباده بن صامت در سپاهی که برای فتح قبرس حرکت کرده بود حضور یافت و در آن نبرد دریایی از پشت استر خویش به زمین افتاد و از دنیا رفت و در همان جا مدفون گشت. (9)

هم چنین از آن حضرت، روایت شده است: ((شهید دریا مثل شهید خشکی است و سرگردان شده در دریا چون کسی است که خون او در خشکی ریخته شده باشد))؛ و نیز می فرمود: ((یک جنگ در دریا برابر با ده جنگ در خشکی است و کسی که در دریا گرماده یا سرگردان شود چون کسی است که خون او در راه خداوند سبحان در خشکی ریخته شود)). (10)

ب. نیروی دریایی در عصر خلفای راشدین و اموی

در دوران پیامبر(ص) و پس از او، ابوبکر موقعیت برای نبرد دریایی پیش نیامد. به رغم آن روایتی که قبلا ذکر شد، چند عملیات دریایی در دوران خلافت عمر گزارش شده است؛ از جمله این که: اولین تهاجم دریایی از سوی والی بحرین، عثمان بن عاص ثقفی، به سواحل هند صورت گرفت که تا نزدیک بمبئی در مکانی به نام ((تا نه)) رسیده و تا مصب رودخانه سند پیش رفت. (11) هم چنین، والی دیگر بحرین، علابن حضرمی، از طریق دریا به ایران حمله نمود و در سال 17

ه' به شهر اصطخر رسید. در سال 20، خلیفه عمر بن خطاب به علقمه بن مجزر برای حمله ای دریایی به سوی حبشه از طریق دریای سرخ فرمان داد تا به این شکل از مسلمانان در قبال تهاجمات دریایی حبشیان بر سواحل مرزهای اسلام دفاع کنند این حمله اگر چه عقیم ماند، اما با این وجود مسلمانان توانستند تا شهر ((اودلس)) در حبشه پیشروی نمایند. (12)

فتح قبرس در سال 27 یا 28ه' نخستین تجربه موفق بود و چون مسلمانان از این نبرد پیروز بیرون آمدند، در این نوع جنگ نیز بیشتر فعال شدند. اگر روایت نه چندان صحیح طبری در مورد جنگ اندلس در عصر عثمان - به سال 27 - را بپذیریم، (13) باید گفت مسلمانان يك سال قبل از فتح قبرس و پس از فتح افریقیه، از طریق دریا برای فتح اندلس اقدام کرده اند. طبری گزارش می کند که خلیفه به عبدالله بن نافع دستور داد تا از طریق دریا به سوی اندلس تهاجم بر ند. او به فرمانده سپاهش چنین نوشت:

((اما بعد، جز این نیست که قسطنطنیه از طریق اندلس فتح خواهد شد و شما اگر آن را گشودید در اجر و پاداش کسی که قسطنطنیه را فتح کرده شریک هستید)). (14)

عثمان در فتح اندلس، قصد داشت يك استراتژی پیشرفته را به نمایش بگذارد و آن این که فتح قسطنطنیه جز از طریق اروپا و آن هم از طریق دریا و فتح اندلس میسر نیست. مسلمانان ابتدا رودس و سیسیل را فتح کردند و در سال 34ه' مهم ترین نبردهای دریایی در تاریخ فتوح اسلام را علیه روم به راه انداختند. در آن نبرد که به فرماندهی عبدالله بن سعد بن ابی سرح، حاکم مصر، صورت گرفت و نبرد ((ذات الصواری)) نامیده شد، به يك پیروزی درخشان دست یافتند. (15)

از سال 28ه' کشتی های مسلمانان در دریاها بر کشتی های بیزانس تفوق یافته و سیادت خود را بر دریاها محرز نموده و حملات متعددی را علیه سواحل تحت سلطه بیزانس انجام دادند. (16) به هنگام رسیدن مروان بن محمد به مصر، که عباسیان در تعقیب او بودند، وی بخشی از نیروهای خود را به سوی دریا فرستاد تا تمامی کشتی ها را در سواحل دریای مدیترانه به ویژه در اسکندریه به آتش کشند. او هم چنین کشتی های موجود در فسطاط را که در رود نیل مستقر بودند به آتش کشید. (17)

ج. نیروی دریایی در عصر عباسیان

عباسیان برای نخستین بار در مقاصد نظامی و به هنگام محاصره شهر واسط از کشتی استفاده کردند. آن ها کشتی ها را پر از هیزم کرده در داخل آن ها آتش انداختند و سپس به سوی واسط روان ساختند تا هر چه سر راه آن ها قرار دارد سوزانیده شود؛ اما ابن هبیره حاکم اموی این شهر قلاب هایی آماده کرده بود که به وسیله آن کشتی های مهاجم را می کشید و غرق می ساخت. (18)

خلیفه منصور نیز به نیروی دریایی و ساخت کشتی های جنگی اهمیت می داد و بدین منظور کارخانه هایی برای ساختن کشتی به ویژه در مصر احداث نموده و مردم را به کار کردن در آن تشویق می کرد؛ او حتی ذمی ها را تا زمان کار در کارخانه های ساخت کشتی از پرداخت جزیه معاف کرد. (19)

منصور به بازگردانیدن اندلس به حاکمیت دولت عباسی می اندیشید، از این رو در سال 146ه' به فرمانده سپاه خود علاء بن مغیث الحیصی دستور داد تا با يك نیروی دریایی عظیم به سوی اندلس حرکت کند. او در مرزهای باجه فرود آمد و دشمنان عبدالرحمان الداخل، به ویژه فهریان و یمانیان، نیز به او پیوستند؛ انقلاب گسترش پیدا کرد تا این که عبدالرحمان توانست این شورش و انقلاب را سرکوب نماید. (20)

منصور در سال 146ه' به دلیل این که مردم تونس بیزانسیان را در تهاجمات ایشان علیه لاذقیه و طرابلس در سال 140ه' یاری رسانیده بودند، از طریق دریا مورد حمله قرار داد. فرماندهی این تهاجم دریایی را امیر البحر شامی، عباس بن سفیان ختعمی برعهده داشت و این نخستین لشکری بود که از زمان تشکیل دولت عباسیان، به سوی قبرس عازم شد. منصور يك ناوگان دریایی برای مقابله با تهاجمات دریایی تدارک دیده بود. در سال 153ه' حبشیان با ناوگان های خود جده را مورد تهاجم قرار دادند و منصور ناوگان دریایی خود را علیه آنان به کار گرفت و توانست تجاوزات آنان را دفع نماید. (21)

هم چنین منصور پس از بازگشت از حج بعد از آن که خبر تهاجمات و یورش های راهزنان ساکن در مناطق سند به کشتی ها و شهرهای ساحلی و تخریب سواحل حجاز را دریافت کرد، برای از بین بردن این تهاجمات، يك حمله دریایی از طریق بصره تدارک دید. (22)

در دوران او نیروی دریایی چند جنگ دیگر انجام داد؛ از جمله تهاجم به قبرس (156ه') و سواحل آسیای صغیر (157ه') که البته بیزانس توانست ارتباط بین نیروی دریایی و زمینی مسلمانان را قطع کرده و عملیات ثمامه بن وقاص را در تهاجم به آسیای صغیر ناکام گذارد. (23)

دولت عباسی در این دوران (منصور) کوشید تا سیطره خود را بر دریاها هند برقرار سازد و با راهزنان دریایی که این دریاها را دستخوش تجاوز و غارت خود می کردند برخورد نماید. او این کار را به منظور تأمین راه تجارت با هند و چین انجام می داد، از این رو عمر بن جمیل را با کشتی های جنگی به این مأموریت فرستاد. عمر به ((تماران)) و سپس به قندهار رفت و آن جا را فتح کرد. در دوران مهدی نیز، المعمرین عباس ختعمی در سال 160ه' دست به يك جنگ دریایی زد. (24)

عباسیان در این عصر به خاطر مرزهای مشترک دریایی ناچار به درگیری با ناوگان های بیزانس بودند و ناوگان های خود را برای تحت نظر گرفتن تحرکات دریایی ناوگان های بیزانس وارد عمل می کردند. (25) علاوه بر آن، به تهاجمات و جنگ های دریایی و یا مقابله با تهاجمات بیزانس نیز می پرداختند. اما در حقیقت، فعالیت دریایی عباسیان در این عصر چندان پویا نبود؛ زیرا این دولت در برخوردهای دریایی به ویژه در دریای مدیترانه با يك فترت روبرو شده بود. دولت های اروپایی به خاطر مشکلات داخلی، از این دریا غافل شده و در حدود نیم قرن راه را برای سیطره بی رقیب بیزانس باز گذاشته بودند که البته بیزانس نیز گاهی به خاطر درگیری با بلغارها در اروپا از مسائل این دریا غافل می ماند. (26) با این حال، مسلمانان در سال های 148 و 149ه' سلسله حملاتی را به قبرس و سیسیل تدارک دیدند و تا سال 156ه' تا حدودی فعالیت ها و نبردهای دریایی فعال شد و زمینه برای افزایش حملات نظامی دریایی در دوران خلیفه مهدی فراهم گردید.

27) خلیفه در این دوران، عبدالملک بن شهاب مسمعی را به فرماندهی یک ناوگان دریایی منصوب نموده و او را به سوی سرزمین های هند اعزام داشت. وی در سال 160هـ شاهر ((باربد)) را تسخیر کرد. عبا سیان در این حمله از منجنیق نیز بهره بردند. (28) در این دوران فعالیت های دریایی گسترش بیشتری یافت.

در دوران هارون نیز تهاجمات و درگیریهای دریایی افزایش یافت و از سال 170 تا 174هـ چند درگیری عمده به وقوع پیوست. در سال 174هـ مجدداً تحرکات دریایی لشکر عباسی برای تهاجم به قبرس شروع شد. در این سال بعضی از راه های دریایی عباسیان که مصر را به شام مرتبط می ساخت از سوی ناوگان رومی مورد تهاجم قرار گرفت. (29) هارون با ناوگان عباسی شام در همان جزیره قبرس به مقابله با این تهاجم پرداخت. ناوگان او به خلیج ایتالیا در سواحل جنوبی آسیای صغیر رسید (30) و با ناوگان رومی درگیر شده و آن را شکست داد و حتی فرمانده نیروی دریایی روم را به اسارت گرفت. (31)

عباسیان، پایگاه هایی را جهت مقاله با تهاجمات بیزانس در سواحل شمال افریقه برپا کردند؛ از جمله پایگاه ((المنسیر)) که هرثمه بن اعین در سال 180هـ ایجاد نمود. اغالبه هم این پایگاه ها را که ((قصور)) یا ((پاسگاه)) نامیده می شد، گسترش داد. ناوگان عباسی در سال 190 و 191هـ به فرماندهی اغالبه، سواحل یونان و رودس را مورد تهاجم قرار دادند. در دوران امین نیز این فعالیت های دریایی هم چنان در دریای مدیترانه برقرار بود. (32)

در دوران مأمون، عبدالله بن طاهر تعدادی کشتی جنگی از طرسوس به راه انداخت و تا ((تنیس)) (33) پیش رفت. مأمون در سال 210هـ او را برای سرکوبی شورش های داخلی مصر بدان جا اعزام داشته بود. وی توانست اندلسی ها را در اسکندریه به محاصره خود درآورد. (34) در دوران معتصم نیز فعالیت های دریایی در دریای مدیترانه هم چنان قابل ملاحظه بود و تسلط بر آن دریا از شرق تا غرب کامل گردید. (35)

در مجموع باید گفت: در دوران عباسیان توجه به دریا و نیروی دریایی به اندازه ای گسترش یافت که دیوانی به نام ((دیوان الاسطول)) برای آن پدید آمد. در این دیوان، اسامی کسانی که می بایست در آن ناوگان ها خدمت کنند به همراه میزان مواجب و عطایا و غنیمت ها ثبت می شد. حضور در نیروی دریایی از روی اختیار و داوطلبانه بود. (36) نیروهای نظامی که می خواستند در دریا و نیروی دریایی خدمت کنند می بایست به اندازه لازم دارای مهارت، تجربه و شجاعت بوده و بتوانند در صورت نیاز، به تعمیر و اصلاح کشتی هم بپردازند و یا تیراندازی و دریانوردی نمایند. خلفا بعضی افراد را به سوی مناطق سرحدی و سواحل می فرستادند تا در آن جا مقیم شده و مرز های دریایی و سواحل را به عنوان مناطق پشتیبان به وسیله ساختن دیوار و حصار مستحکم نمایند. (37) برای جذب نیرو در نبردهای دریایی، مسلمانان به جهاد فراخوانده می شدند و در آن حال بسیاری افراد داوطلبانه در پایگاه ها و سواحل مستقر می شدند تا در فریضه جهاد شرکت کنند. در یک نمونه، اسدبن فرات، قاضی قیروان، فرماندهی یک ناوگان دریایی را بر عهده گرفت که در آن یک صد کشتی با ده هزار نیروی نظامی برای فتح سیسیل حضور داشتند. (38)

در بسیاری از سرحدات و سواحل شام، پایگاه هایی ساخته شده بود تا مجاهدان در آن جا به استقبال دشمنانی که از طریق دریا تهاجم می کنند بشتابند. این مجاهدان از شهرهای شام و مصر مآمدند. (39) یکی از مجاهدان معروف که نام او در دیوان ساحل شام برای جهاد ثبت شده بود ((عبدالرحمن بن عمر اوزاعی)) فقیه بزرگ عصر منصور بود. او در سال 140هـ در یکی از جنگ های با روم در این منطقه حضور یافت. (40) یکی دیگر از مجاهدان به نام این عصر ((ابراهیم بن ادهم)) عارف و صوفی مشهور بود که در چندین درگیری در دریای شام حضور یافت (41) و در یکی از جنگ ها به شهادت رسید.

عباسیان با ایجاد کارخانه هایی در بصره، بغداد و مصر به ساخت کشتی های مخصوص عبور در رودخانه پرداختند و آن ها را در رود دجله و فرات و نیل به حرکت در آوردند. هارون به ساخت کشتی هایی پرداخت که قبل از او سابقه نداشت. در دوران معتصم پس از سرکوب شورش زطهار، 27 هزار نفر از آنان را به وسیله کشتی از بصره به بغداد منتقل نمودند. (42)

تجهیزات و تسلیحات کشتی های جنگی

الف. تجهیزات

کشتی هایی که در گذشته در جنگ های دریایی شرکت می کردند معمولاً دارای سه طبقه بودند که در هر یک از آن طبقات، تمامی تجهیزات و امکانات مورد نظر آنان از قبیل آب انبار جهت ذخیره کردن آب آشامیدنی ریسمان ها، بادبان ها، تیر، کارد و سایر وسایل مورد احتیاج جمع می شد. هر دریانوردی ملزم به فراهم ساختن ابزارها و تجهیزات کشتی خود و نیز وسایلی برای پرتاب آتش بود که معمولاً بر بالای برج و دکل کشتی نصب می شد. جنگجویان برای پرتاب آن پرتابه ها بر بالای این برج که اطراف آن با صفحاتی پوشیده شده بود مستقر می شدند و آتش یا سنگ و تکه پاره های تیز آهن را به سوی دشمن پرتاب می کردند تا آنان را به قتل برسانند و کشتی آن ها را سوزانده یا غرق نمایند. در طبقه اول و دوم هر یک از این کشتی ها حدود 50 روزنه یا پنجره تعبیه شده بود تا جنگجویان و تیراندازان برای پرتاب تیر و پرتابه های دیگر در کنار آن موضع بگیرند و به سوی دشمن نشانه روند. رئیس و ناخدا نیز در اتاق جلوی کشتی مستقر می شد. هر کشتی حدود 200 نفر را در خود جای می داد؛ 50 نفر آنان وظیفه پرتاب پرتابه ها و بقیه وظیفه جنگیدن داشتند. در بعضی از این کشتی ها منجنیق هایی نصب می شد و کف کشتی از سنگ های تیزی که به جای سلاح از آن برای پرتاب استفاده می کردند، پر می شد. (43)

ب. تسلیحات

سلاح کشتی های جنگی را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

- 1- سلاح سربازان و جنگجویان.
- 2- سلاح مخصوص کشتی ها.

1- سلاح سربازان

سلاح سربازان عبارت بود از: کمان، نیزه، شمشیر، خنجر، سنگ و تیر. از وسایل نظامی نیز می توان از سپر، زره و کلاهخود نام برد. (44)

آن ها معمولا سه خنجر همراه داشتند؛ یکی در داخل سپر، یکی بر پهلو و دیگری در داخل لباس. شمشیر می بایست به گردن انداخته شود، نه این که به کمر بسته شود؛ زیرا برای جنگجویان در دریا بر خلاف خشکی، حمل به گردن راحت تر بود. دیوس یا گرز نیز می بایست به وسط کمر بند آنان بسته شود. (45) هر ناو جنگی قبل از جنگ هر آن چه که مورد نیاز سربازان بود، از جمله سلاح و تجهیزات و تدارکات، را در خود جای می داد. (46)

2- سلاح مخصوص کشتی ها

1.2- کلالیب (47) = قلاب ها

وسيله ای آهنین با نوک هلالی و خم شده بود که همراه با حلقه هایی به کشتی ها متصل می شد. هنگامی که کشتی خودی به دشمن نزدیک می شد آن را به سوی کشتی دشمن پرتاب می کرد و بر روی آن صفحاتی می انداختند تا مانند یک پل، از روی آن عبور کرده و برای جنگ با سرنشینان کشتی دشمن داخل آن شوند. (48)

2.2- باسلیق

پرتابه هایی از آهن بوده که به وسیله حلقه هایی به کشتی وصل می شد. از این وسیله برای سرنگون کردن و شکستن کشتی های دشمن از طریق زدن ضربه های پی درپی استفاده می شده است. (49)

3.2- توایب

صندوق هایی بوده که بالای آن باز بوده و بر فراز کشتی نصب می شده است. لشکریان در داخل آن می نشستند و از آن جا سنگ و یا پاره های آتش و مواد آتش زا به سوی دشمن پرتاب می کردند و کشتی آن ها را سوزانده و یا سرنشینان آن را کور می کردند. گاهی از آن جا مار و عقرب به داخل کشتی ها می انداختند. (50)

4.2- لجام = لگام

از سلاح های مهم دریایی بوده است. ابزاری مثل تیر و نوک تیز در جلو کشتی قرار می دادند و با آن به شدت به کشتی های دشمن کوبیده و آن را واژگون می کردند. (51)

5.2- مبالزرق = آب آهک

از سلاح های مورد استفاده در نبردهای دریایی بوده است. این ماده مخلوطی از نمک جوشیده و زرنیخ سفید همراه با آب، یا از ماده ای به نام زاج بوده است. این ماده را در داخل ظرفی ریخته آن را به سوی دشمن پرتاب می کردند تا چشمان آنان را کور سازد. (52)

6.2- برج کشتی

برای مراقبت و حفاظت از کشتی و سرنشینان آن ساخته می شد. گروهی بر این برج می ایستادند تا دشمن را از فراز آن با پرتاب سنگ های نوک تیز مورد هدف قرار دهند. (53)

7.2- منجیق و عراده

عراده منجیق کوچکی بوده که ابتدا در کشتی ها مورد استفاده قرار می گرفته و به وسیله آن سنگ های نسبتا بزرگ را به سوی دشمن پرتاب می کردند. در اواخر عمر اموی و در عصر عباسی، منجیق وقتی مورد استفاده قرار گرفت که وسیله ای خاص جهت حمل و نقل آن ساخته شد. (54)

8.2- آتش یونانی

این آتش که از مخلوط کبریت و مقداری روغن مایع و روان در ست می شده، از اسطوانه ای که در جلوی کشتی قرار داشت، به صورت گلوله ای مشتعل به سوی دشمن پرتاب می گردیده، و یا این که این آتش از کتان آغشته به نفت که در آب خاموش نمی شده، به وجود مآمده است. هم چنین، نفت خام و مواد غیرروان که کتان را به آن آغشته می کردند نیز در آن به کار می رفته است. (55)

9.2- آینه های آتش افکن = المرایا المحرقه

آینه در نیروی دریایی اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته است. این آینه ها از کره ای تو خالی تشکیل شده بوده که اشعه انعکاس یافته از خورشید را در یک نقطه جمع کرده و سپس این اشعه را بر کشتی های دشمن متمرکز نموده و آن را به آتش می کشیده است. این عمل مستلزم آن بوده که موقعیت کشتی های دشمن مناسب و برا بر انعکاس اشعه قرار داشته باشد. (56)

سازماندهی و آرایش ناوگان به هنگام جنگ

سازماندهی و آرایش کشتی و ناوگان های جنگی در دو مرحله ((درونی)) و ((بیرونی)) انجام می شد. منظور از سازماندهی و آرایش درونی، ترتیب و استقرار نیروهای جنگی در داخل کشتی بر اساس جایگاه خود و نیز تقسیم وظایف آن است. بر اساس گفته ابن منکلی، نیروهای غیر شجاع و ضعیف باید در طبقه پایین کشتی استقرار یابند و کسانی که از طبقه اول دچار جراحت و زخم شده اند باید به طبقه پایین منتقل شوند و جای آنان با کسانی که در طبقه پایین هستند عوض شود. البته بر حسب ضرورت و بر اساس تدبیر، در هر کشتی باید چهار نفر مجرب و آگاه به مداوای مجروحان حضور

داشته باشند تا سلاح های آنان را گرفته و آن ها را سیراب نموده و زخم هایشان را مداوا نمایند. (57)

منظور از سازماندهی بیرونی، نحوه آرایش و استقرار کشتی ها در داخل آب و در منطقه عملیات دریایی است. آرایش کشتی ها در جنگ های دریایی همانند آرایش لشکریان در خشکی بوده است و کشتی ها به قلب، جناحین و مقدمه و ساقه تقسیم می شدند و برای محاصره دشمن به صورت نیم دایره هلالی آرایش می یافتند. گاهی نیز کشتی ها برای مقابله و برخورد با کشتی های دشمن و غرق کردن آن ها به صورت خط مستقیم آرایش می گرفتند در بعضی مواقع نیز به صورت هلال وارونه آرایش می یافتند. (58)

به گفته ابن منکلی، اگر نزدیک سرزمین دشمن یا داخل آن بوده و یا دشمن به سوی ما مآمد، باید همواره برای نبرد آماده بوده و در هنگام درگیری، به حدی که مکان و نیز میدان تیر اجازه می دهد، کشتی را با شکل های مختلف و بر اساس صفوف سازماندهی کرد. باید میمنه و میسره و قلب تشکیل داد و به طور مستقیم بر این آرایش نظارت داشت و نقاط ضعف آن را برطرف کرد. در هنگام محاصره دشمن باید به صورت نیم دایره او را به محاصره درآورد و بر او آتش افکند. جنگجویان بر حسب تعداد کشتی در دو یا سه جهت تقسیم شوند و یک گروه ابتدا بر دشمن وارد گردد و او را به خود مشغول سازد، آن گاه گروهی دیگر از پشت وی و از پهلوها وارد شوند و سپس کشتی های دیگری غافلگیرانه بر دشمن بنازند و آن ها را تیرباران کنند. (59)

ناوگان اعراب به ویژه عباسیان، روش های متعددی برای سازماندهی در جنگ های دریایی داشتند که بر اساس انواع کشتی و امکانات آنان صورت می گرفت. اگر جنگ بین کشتی های بزرگ و عظیم بود، با کشتی های کوچک نزدیک آن ها نمی رفتند و پشت یا جلو و یا اطراف آنان قرار نمی گرفتند، زیرا ممکن بود توسط آنان غرق شوند؛ بلکه از دور با نظام و آرایش خود می جنگیدند تا کشتی های دشمن را غرق کنند. اما اگر جنگ بین کشتی های کوچک و هم سطح آنان بود، به کشتی های دشمن نزدیک می شدند و نردبان ها را می انداختند و سربازان با سلاح داخل کشتی دشمن شده و می جنگیدند. (60)

رومیان از نزدیک شدن به کشتی های مسلمانان می ترسیدند و اقدام به جدا کردن آن ها از یکدیگر می کردند. (61)

نبردهای دریایی کمتر در عمق دریا اتفاق می افتاد و بیشتر نزدیک سواحل و جزیره ها رخ می داد. (62) ناوگان های دریایی مسلمانان به هنگام اعیاد و مراسم رسمی و یا در هنگام وداع برای حرکت به سوی جنگ و یا بازگشت از آن، در مقابل خلفا به انجام مانور و سان می پرداختند. (63)

انواع کشتی های جنگی

کشتی های جنگی در اعصار مورد نظر دارای انواع مختلفی بوده است؛ بعضی کشتی ها کوچک اما سریع بوده و برای انجام مانور و شناسایی به کار گرفته می شده؛ اما بعضی دیگر که به آن قلاع (کشتی بادبانی) می گفتند؛ بزرگ بوده و برای انتقال سربازان و تدارکات و ساز و برگ جنگی مورد استفاده قرار می گرفته است. بعضی از این کشتی ها هم دارای حجمی متوسط بوده که برای پرتاب نفت و مواد آتش زا استفاده می شده است که آن ها را آتش افکن ها می نامیدند. مهم ترین کشتی های آن دوره عبارت بودند از:

- 1- سفینه: نامی عام برای کشتی های دریایی بوده است. (64)
- 2- اشونه: بزرگ ترین نوع کشتی و کاربردیترین آن ها و دارای برج و قلعه برای دفاع و تهاجم بوده است. این کشتی به طور متوسط 150 سرباز را حمل می کرده است. (65)
- 3- البارجه: کشتی جنگی ای بوده که اعراب ساخت آن را از هندها فرا گرفته بودند و دزدان دریایی از آن در تهاجم به کشتی های تجاری استفاده می کردند. (66) در سال 251ه' ده فروند از این نوع کشتی از بصره وارد بغداد شد. در هر کشتی 39 جنگجو و دریانورد و چند نجار و نفت انداز حضور داشتند و هر یک از این کشتی ها 45 نفر ظرفیت داشت. (67)
- 4- القرفور: کشتی بزرگی بوده که همراه کشتی های جنگی برای حمل تدارکات، سلاح و لوازم کشتی ها حرکت می کرده است. (68)
- 5- السمیریه: کشتی جنگی ای بوده که عباسیان در جنگ ها از آن برای حمل آلات و ادوات جنگی و تیراندازان و دریانوردان استفاده می کردند. (69)
- 6- الحراقه: یک نوع کشتی جنگی بوده که در آن مواد آتش زا و وسایل مخصوص پرتاب آتش یونانی حمل می شده است. (70) هم چنین، منجنیق نیز در آن حمل می شده است. در این نوع کشتی، قلاب هایی برای کشیدن و غرق کردن کشتی های دشمن وجود داشته است. (71) این آتش افکن ها برای سواری هم استفاده می شده است.
- 7- صندل: از کشتی های جنگی بزرگ و مسطح بوده که برای حمل سربازان و نیز ساز و برگ جنگی و تدارکات استفاده می شده است. (72)
- 8- الحریبه: از کشتی های جنگی بوده که در زمان هارون مورد استفاده قرار می گرفته است.
- 9- الطرائد: از این کشتی برای انتقال اسبان استفاده می شده و گنجایش حمل 40 اسب به اضافه لوازم آن ها و سایر آلات و ادوات جنگ و سلاح و تجهیزات را داشته است. (73)
- 10- البطس: از کشتی های بزرگ جنگی بوده که تعداد بادبان های آن به 40 عدد می رسیده و در آن علاوه بر جنگجویان، منجنیق و سلاح نیز حمل می شده است. هر یک از این کشتی ها گنجایش صدها جنگجو را داشته و گاهی 700 جنگجو در آن جای می گرفته اند. این کشتی دارای چند طبقه بوده که در هر طبقه، گروهی خاص از لشکریان استقرار می یافته اند. (74)
- 11- المسطح: از کشتی های جنگی در ناوگان دریایی بوده که وظیفه آن حمل سلاح ناوها بوده است و آن را ((حماله)) نیز می خوانده اند. (75) در این کشتی ها علاوه بر خدمه اسب ها و سازندگان کشتی که برای حفاظت و یا باز سازی کشتی ها حضور داشتند، ساز و برگ و غله و حبوبات نیز حمل می شده است.

- 12- الاغربه: از کشتی های بزرگ که جلو آن شبیه منقار کلاغ بوده و ظرفیت حمل بیش از 180 دریانورد را داشته است. دشمنان از این کشتی به وحشت می افتاده اند و اروپاییان آن را ((کروته)) (76) می خواندند. (77)
- 13- الفلوكه: يك كشتى كوچك برای حمل و نقل سربازان و اسب ها بوده است.
- 14- الشیطی: این کشتی که از سرعت بسیار زیادی برخوردار بوده و توسط 80 دریانورد به حرکت درآمده، برای کسب اطلاعات از کشتی های دشمن مورد استفاده قرار می گرفته است.
- 15- العشیری: قایق هایی بوده که با 20 دریانورد حرکت می کرده و برای انتقال سربازان و ساز و برگ جنگی استفاده می شده است.
- 16- الشموط: کشتی کوچکی بوده که برای پوشش و حفاظت از کشتی های بزرگ استفاده می شده است. (78)
- 17- القارب: کشتی کوچک بوده که همراه کشتی های ناوگان حرکت می کرده و برای انتقال مواد مورد نیاز سرنشینان کشتی ها کاربرد داشته است و در امور شناسایی نیز مورد استفاده قرار می گرفته است. (79)
- 18- الطیاره: از کشتی های مخصوص حرکت در رودخانه ها بوده که به سبکی و سرعت ممتاز بوده و در رودخانه دجله و فرات مورد استفاده قرار می گرفته است. (80)
- 19- الزنبیره: از کشتی های مخصوص حرکت در رودخانه بوده که در رود فرات برای انتقال سربازان و لوازم آن ها استفاده می شده است. (81)
- 20- لوسری: این کشتی نیز در جنگ هایی که در رودخانه ها رخ می داد، از جمله در دجله و فرات، استفاده می شده است. (82)
- 21- الشیاره: قایق مخصوص رودخانه بوده که در دجله مورد استفاده قرار می گرفته است. مایمون به غیر از کشتی های جنگی، چهار هزار از این نوع قایق کوچک و بزرگ را در اختیار داشت. (83)
- 22- العلابیات: از کشتی های جنگی است که جزء ناوگان مصر در عصر اموی و عباسی بوده است. (84)
- 23- ملفوطه: کشتی جنگی بزرگی بوده که معمولاً پس از ناو حرکت می کرده تا سربازان و نیز سلاح و تدارکات را منتقل نماید. (85)

منابع:

- ابن اثیر، عزالدین احمد بن ابی المکارم: الكامل فی التاریخ (بیروت، دارالصادر، 1965م).
- ابن سیره، ابوالحسن علی بن اسماعیل: المحض فی اللغة و الادب (بیروت، دارالفکر، 1398ه').
- ابن کثیر، عمادالدین ابی الفداء اسماعیل: البدایه و النهایه فی التاریخ (بیروت، دارالفکر، 1966م).
- ابن ماجه، ابوعبدالله: سنن ابن ماجه، تحقیق محمرفواد عبدالباقی (بیروت، المكتبة العلمیه، بی تا).
- ابن منکلی، محمد بن محمود: الادله الرسمیه فی التعابی الحریبه، تحقیق محمود شیت خطاب (بغداد، مطبعه المجمع العلمی العراقی، 1409ه').
- ابو داود، سلیمان بن اشعث: سنن ابی داود (بیروت، دارالفکر، 1398ه').
- ترمذی، محمد بن عیسی: سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف (چاپ سوم: بیروت، دارالفکر، 1398ه').
- عباسی، حسن بن عبدالله: آثار الادل فی ترتیب الدول (قاهره، بولاق، 1295ه').
- طبری، محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوك، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم (بیروت، دارالمعارف، 1966م).
- مسعودی، علی بن الحسین: التنبیه و الاشراف (بیروت، الموسسه الاعلمی للمطبوعات بی تا).
- نویری، شهاب الدین احمد: نهایه الارب فی فنون الارب (قاهره، دارالکتب المصریه، 1345ه').
- جواد علی: المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام (بیروت، دارالعلم للملایین، 1968م).
- خدوری، مجید: الحرب و السلم فی شرعه الاسلام (بیروت، الدار المتحدہ للنشر، 1972م).
- دوری، عبدالعزیز: العصر العباسی الاول، دراسه فی التاریخ السیاس و الاداری و الامالی (بیروت، دارالطبعه للطباعه و النشر، 1945م).
- زیدان، جرجی: تاریخ التمدن الاسلامی (چاپ سوم، مصر، مطبعه الهلال، 1932م).
- سالم، سیدعبدالعزیز، و عبادی، احمد مختار: تاریخ البحریه الاسلامیه فی مصر و الشام (بیروت، دارالاحد، 1972م).
- همو، تاریخ البحریه الاسلامیه فی المغرب و الاندلس (بیروت، دارالنهضة العربیه، 1969م).
- غولی، جهادیه القره: العقلیه العربیه فی التنظيمات الاداریه و العسکریه فی العراق و الشام خلال العصر العباسی الاول (بغداد، آفاق العربیه، 1986م).
- کردعلی، محمد: خطط الشام (بیروت، دارالنفایس، 1981م).
- ماجه، عبدالمنعم: العصر العباسی الاول (قاهره، مكتبة الانجلو المصریه، 1984م).
- نعمان ثابت، الجندیه فی الدوله العباسیه (بغداد، مطبعه اسعد، 1956م).
- Finally, history of the byzantine empire, oxford, 1977
- Roben, levey, the social structure of Islam
- Theophanes, chronographia, col, 1977

پی نوشت ها:

1. ر.ك: جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام (بیروت، دارالعلم للملایین، 1968م); چاپ سوم: مصر، مطبعه الهلال، 1922م) ج 1، ص 205.
2. اسرار66/66؛ اعراف162؛ انعام97/، 63؛ 59 یونس22/.
3. عنكبوت15/ كهف71/، 79؛ و نیز در آیه ای خداوند ستارگان را به عنوان راهنمایی تاریکی های خشکی و دریا قرار داده

- ((و هو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بهافى ظلمات البر و البحر)) (انعام/97). که این کار جز با قطب نما دست یافتنی نبود و می توان گفت علم نجوم نیز به راه یابی مسلمانان در دریا کمک کرد.
1. محمدبن جریرطبری، تاریخ الطبری، بیروت، داراحیا التراث العربی و دار المعارف، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم (1966)، 315.316/3.
 2. منابع به چند نبرد دریایی در دوران خلافت عمر اشاره داشته اند (بنگرید به صفحات بعد).
 3. محمدبن عیصی ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ط 3، 1928، 7/148؛ سلیمان اثلت ابی داود، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر 1398ه' 1/389.
 4. ابی داود، همان جا.
 5. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح، (باب الجهاد) بیروت، داراحیا التراث العربی، ط 2، 1301ه'، 3/201.
 6. ابن داود، همان جا؛ بخاری، صحیح، (باب الجهاد و السیر) 3/201.
 7. ابوعلی بن ماجه، سنن، ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، المكتبة العلمیه [بی تا]، 2/178.
 8. سعادت ماهر، البحریه فی مصر الاسلامیه و آثار الباقیه، مصر دارالمعارف [بی تا]، 63.62.
 9. همان، 64.
 10. فتوح نویسان و مورخانی که فتح اندلس را ثبت کرده اند چنین گزارشی در این سال نداده اند و سال فتح، 92 هجری در دوران خلافت ولیدبن عبدالملک است.
 11. طبری، پیشین، 3/314.
 12. همان، 3/338.
 13. عبدالعزیز الدوری، العصر العباسی الاول، بیروت، دارالطبیعه للطباعه و النشر، 1945م، 41؛ عبدالعزیز السالم، احمد مختار العبادی، تاریخ البحریه الاسلامیه فی مصر و الشام، بیروت، دارالما حد 1972م، 14؛ خدوری، الحرب و السلم، فی شرعه الاسلام، بیروت، دارالمتحدہ للنشر 1973م، 151-154.
 14. فاروق عمر، فوزی، تاریخ العراق فی عصور الخلافه العربیه الاسلامیه، بغداد [بی تا]، 195.
 15. عبدالعزیز الدوری، العصر العباسی الاول، 48.
 16. فاروق عمر فوزی، همان جا.
 17. عبدالعزیز الدوری، پیشین، 48؛ هم چنین بنگرید به عبدالله عنان، تاریخ الدوله الاسلامی فی اندلس.
 18. طبری، پیشین، 8/42.
 19. همان، 42/8/33.
 20. فاروق عمر فوزی، پیشین، 195.
 21. طبری، پیشین، 8/129؛ 140؛ عمادالدین ابوالفداء، ابن کثیر، البدايه و النهايه، فی التاريخ، بیروت دارالفکر، 1966م، 65/47.
 22. فاروق عمر فوزی، پیشین، 196.
 23. همان جا.
 24. همان، 204.
 25. طبری، پیشین، 8/116؛ عزالدین احمد، ابن اثیر، الكامل فی التاريخ بیروت، دارصادر 1965م، 6/47.
 26. Theophanes, Chronographia, col, 936.
 27. Finaly, History of the Byzantine Empire. Oxford, 1871, p: 83.
 28. عبدالعزیز الدوری، پیشین، 114.
 29. سعادت ماهر، پیشین، 89.
 30. شهری است در شمال مصر.
 31. عبدالعزیز سالم، پیشین، 1/41.
 32. Roben, Levey, The social structure of Islam. p: 454.
 33. سعادت ماهر، پیشین، 300.
 34. غره غولی، العقلیه العربیه فی التنظيمات الماداریه و العسکریه فی العراق و الشام خلال العصر العباسی الاول، بغداد آفاق العربیه 1986م، 197.
 35. عبدالعزیز سالم، پیشین، 38.
 36. کردعلی، خطط الشام، بیروت، دارالنفائس 1981م 5/40.
 37. عبدالعزیز السالم، پیشین، 43.
 38. ابن کثیر، البدايه و النهايه، 10/144.
 39. عبدالمنعم ماجد، العصر العباسی الاول، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، ط 3، 1984م، 286.
 40. محمدبن محمود ابن منکلی، الادله الرسمیه فی التعابی الحربی، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مطبعه الجمع العلمی العراقی 1409ه'، 244.241.
 41. جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، 1/2311.
 42. ابن منکلی، پیشین، 251.350.
 43. سعادت ماهر، پیشین، 303.
 44. کلالیب، جمع کلاب، در فارسی کلاب (راعد، 769).
 45. حسن بن عبدالله عباسی، آثار الاول فی ترتیب الدول، قاهره، مطبعه برلاق، 1295م، 197.
 46. حسن بن عبدالله، پیشین، 196؛ سعادت ماهر، پیشین، 203.
 47. حسن بن عبدالله، همان جا؛ سعادت ماهر، همان جا.

48. حسن بن عبدالله، همان جا.
49. یکی از گروه های موجود در نیروی دریایی، ((زراقین)) بودند که مخلوطی را که شرح آن گذشت، به سوی سرنشینان کشتی دشمن پرتاب می کردند.
50. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی اخبار ملوک المصر و القاهره، 4/51.
51. سعاد ماهر، پیشین، 74.
52. محمود عواد، الجیش و الاسطول، 525-522.
53. همان، 529.
54. ابن منکلی، پیشین، 244.
55. حسن بن عبدالله، پیشین، 195.
56. الادله الرسمیه فی التعالی الحریه، 249-248.
57. محمدیاسین الحموی، تاریخ اسطول العربی، 109-108.
58. جهادیه القره غولی، العقلیه العربیه، 246.
59. همان، 247.
60. نعمان ثابت، الجنیدیه فی الدوله العباسیه، بغداد، مطبعه اسد، ط 2، ص 1956م.
61. انور رفاعی، النظم الاسلامیه، 161.
62. همان جا.
63. ابوالحسن علی ابن سیده، المخصص فی اللغه و الادب، بیروت، دارالفکر، 1398ه'، 10/26؛ علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، بیروت، [بی تا]، 207.
64. طبری، پیشین، 9/306.
65. انور رفاعی، پیشین، 161.
66. جهادیه قره غولی، پیشین، 248.
67. محمد عواد، پیشین، 412.
68. نعمان ثابت، پیشین، 143.
69. انور رفاعی، پیشین، 161.
70. ابن منکلی، الادله الرسمیه فی التعالی الحریه، 243.
71. شهاب الدین نویری، نهایه الارب فی فنون الارب، قاهره، دارالکتب المصریه، 1345ه'، 9/123؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، 32.
72. انور رفاعی، پیشین، 161.
73. Corrette.
74. عبدالمنعم ماجد، تاریخ الحضاره الاسلامیه، 75.
75. مقدسی، احسن التقاسیم، 32.
76. عبدالمنعم ماجد، پیشین، 75؛ محمود عواد، پیشین، 415.
77. عبدالمنعم ماجد، همان جا.
78. طبری، پیشین، 7/149.
79. جهادیه القره غولی، العقلیه العربیه، 249.
80. همان جا.
81. همان، 250.
82. مقدسی، پیشین، 31.